

سوار بشیر نادر آریزنگاه و ناگشت
نعل نفقات مالکان آریزنگاه و آریزنگاه و نفقات و نفقات بر کسی بوجه است
نعلی سوار گوردنگه رحقی درش دینار قیوم بود انگشت یک سکه آریزنگاه و آریزنگاه و نفقات
مال ولدان ملاکان و مراغ محمد زین الدین

آریزنگاه و مهدرخیار	مهدرخیار باغ	مراغ حسن و اخوان بارانی
آفت	آفت	آفت

مراغ مندعا	مراغ سبب و سبب ولدان مرحوم	ولدان و دینار جبار رحیق
آفت	آفت	آفت

مهدرخیار	خانق و ولد مرحوم رحیق	محمد باغ
آفت	آفت	آفت

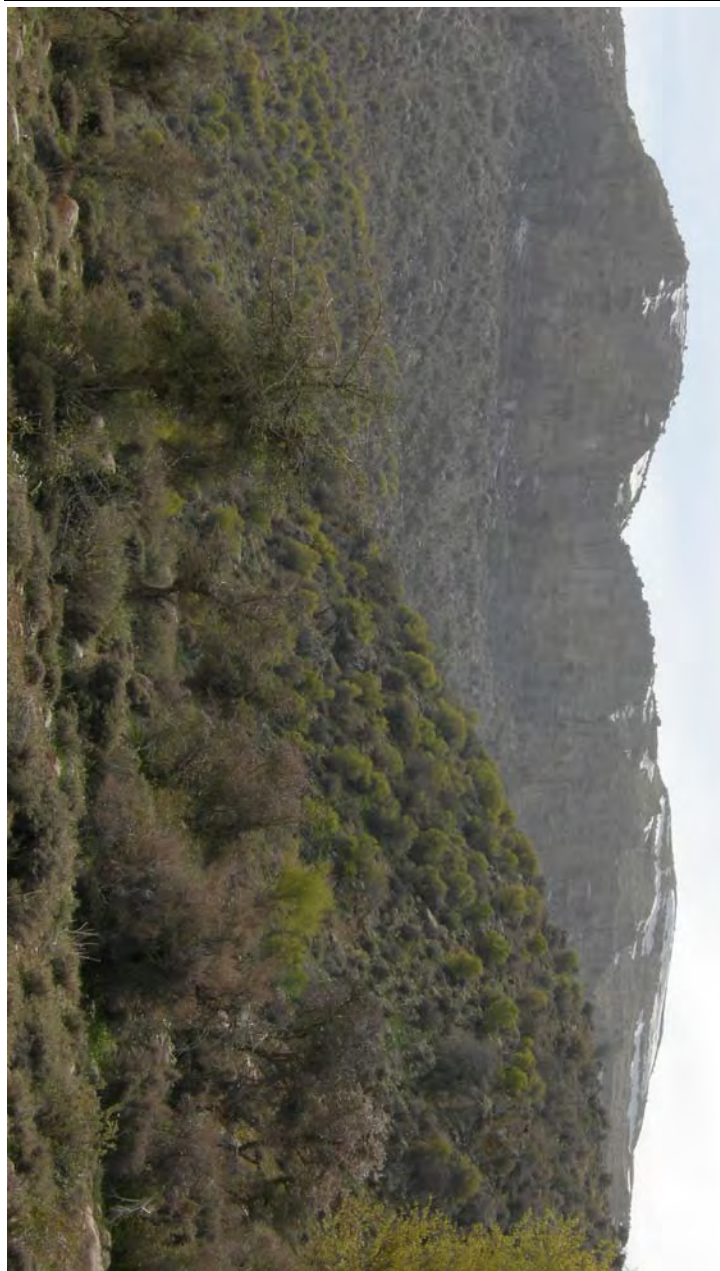
و این بشیر و تیان ملاکان آریزنگاه و آریزنگاه و نفقات نوشته شده است درین بعد
نیابین ملاکان گفتند که با شند و هرگاه چنانچه نوشته بشیر شوانی اند نوشته ظاهر شود
باطل و عاقل و از درجه اعتبار قطب است و بیرون بشیر شوانی فاجعه خورشید تحریر باغ

خجیلم شهرضا الیوم ۱۳۰۷

محمد باغ	محمد باغ	محمد باغ	محمد باغ	محمد باغ
محمد باغ	محمد باغ	محمد باغ	محمد باغ	محمد باغ



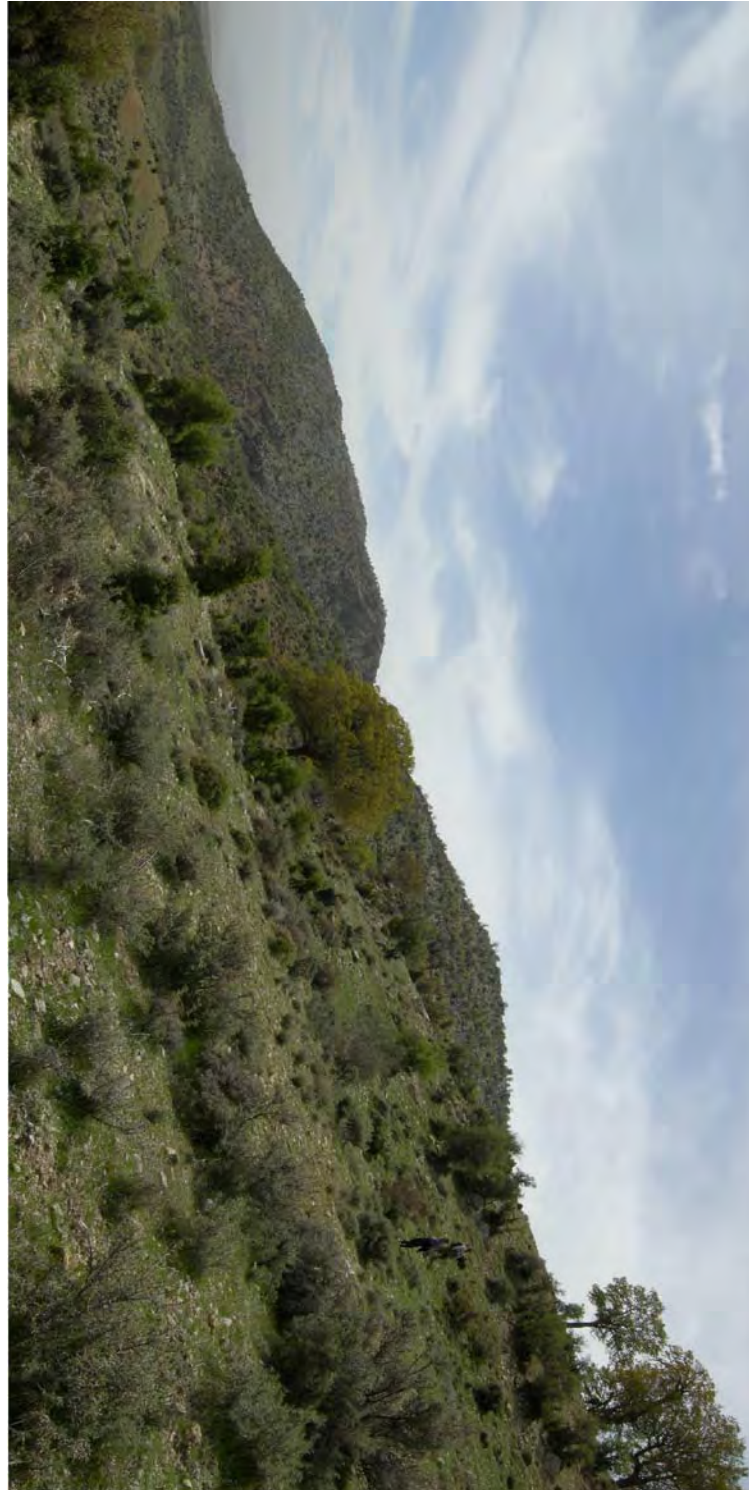
دیوار اعظم یا تادئنگ در قله کوه دلو



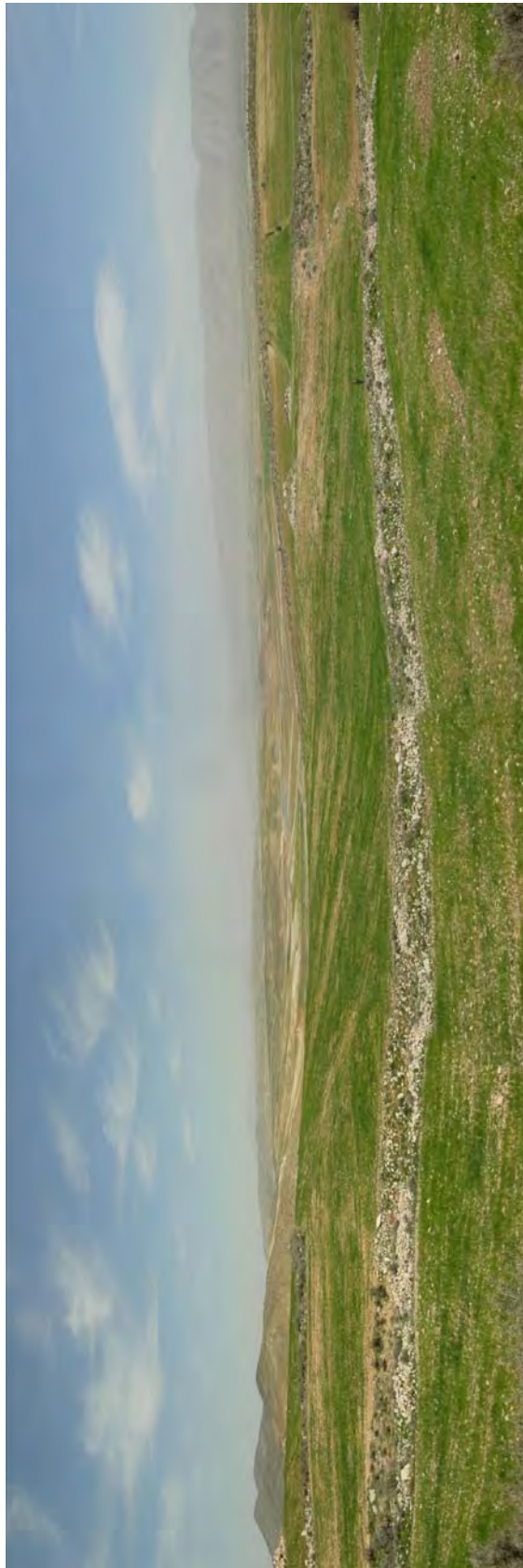
دیوار اعظم یا تادئنگ در قله کوه دلو



جنگل‌های کوه دلو (زیر دیواره تادنگ)



مراتع غنی
کوه دلو
(زیر دیواره
تاژنگ)



دیم کارهای کوهپایه دلو در
محدوده ثبتی پلاک دارنگان که
تحت پلاک جدید بار دیگر ثبت
شده



دیم کارهای کوهپایه دلو در محدوده ثبتي پلاک دارنگان که تحت پلاک جدید بار دیگر ثبت شده

سند بیست و دوم (۱۳۱۱):

این سند به تاریخ ۵ شوال ۱۳۱۱ است؛ دو سال و اندی پیش از قتل ناصرالدین شاه^{۷۵} و سه سال پیش از قتل ملا برفی سقلمه‌چی کلانتر کوهمره (رجب ۱۳۱۴). رئیس جعفر، ولد مرحوم رئیس آقا بزرگ دارنجانی، همو که در ذیقعه ۱۳۰۶ یک دانگ از قشلاق چاه مزیر صادقی «جبل قریه دارنجان» را به مبلغ چهار تومان به سُرخ‌ی فروخته بود (سند بیستم)، دو دانگ از شش دانگ قشلاق معروف به «گاو و گوساله»، واقع در جبل دلویه، را می‌فروشد. چهار دانگ دیگر این قشلاق به کربلایی اسفندیار خان تعلق دارد. حدود اربعه قشلاق مورد معامله نیز، مانند سایر اسناد، ذکر شده: از سمت قبله محدود است به قشلاقی که خریدار پیش‌تر از خانابا خان دارنجانی خریداری کرده بود، از طرف جنوب می‌رسد به «آب برد کاه دروازه»، «از طرف صبا می‌رسد به تلی که زیر همان تل گاووگوساله واقع است که پاچه کاه‌زار مزبوره است»، و «از طرف جنوب به جعه راهی که از تنگ ایزه می‌رود به کل کراچ». دو دانگ از «حصه و رسد» هفت چاهی را که فروشنده با کل اسفندیار شریک است نیز فروخته می‌شود. مبلغ معامله بیست و سه تومان سکه ناصرالدین شاهی است و خریدار «کربلایی عبدالرحمن ولد مرحوم ملا محمدعلی سُرخ‌ی» (کله رحمان، رئیس طوایف سُرخ‌ی) است. ثمن معامله نقداً پرداخت شده و «دیناری باقی نمانده و نیست».

در صدر سند مهر محضردار، با سجع «عبدہ الراجی مهرعلی»، و در ذیل سند، مهر فروشنده و خریدار و در حاشیه سند مهر شهود زیر مندرج است: میرزا آقا، کربلایی شکرالله دارنجانی، خانابا خان دارنجانی، عبدالله خان دارنجانی (با سجع مهر «یا اباعبدالله»).

سند بیست و سوم (۱۳۳۲):

این سند متعلق به سال‌ها بعد است: ۹ رجب ۱۳۳۲ ق.؛ در زمان سلطنت احمد شاه و اندکی پیش از شروع جنگ جهانی اول (رمضان ۱۳۳۲).^{۷۶} در این زمان حاج مخبرالسلطنه هدایت والی فارس است و دو مجتهد سرشناس، حاج میرزا ابراهیم مجتهد محلاتی (متوفی ۱۳۳۶ ق.) و حاج سید عبدالحسین مجتهد لاری (متوفی ۱۳۴۲ ق.) و دو شخصیت مقتدر

۷۵. ناصرالدین شاه در ساعت دو بعد از ظهر روز جمعه ۱۷ ذیقعه ۱۳۱۳/ اول مه ۱۸۹۶ به قتل رسید.

۷۶. رمضان ۱۳۳۲ هجری قمری برابر است با مرداد ۱۲۹۳ شمسی و ژوئیه ۱۹۱۴ میلادی.

سیاسی - نظامی، اسماعیل خان صولت‌الدوله قشقایی و ابراهیم خان قوام‌الملک شیرازی، متنفذترین رجال فارس به‌شمار می‌روند.

در این زمان، ملا شهباز خان سُرخ‌ی (داماد عبدالله خان دارنگانی) کلانتر کوهمره است و ملا ولی خان سقلمه‌چی، پسر ملا برفی (کلانتر مقتول)، که اینک به میان‌سالی رسیده و مدعی جایگاه پدر است، رقیب او و به دلیل خویشاوندی با خاندان مقتدر قوام شیرازی برخوردار از حمایت ایشان. عبدالله خان دارنگانی (کلانتر کوهمره در زمان ترمذ ملا برفی) و کل اسفندیار خان دارنگانی در گذشته‌اند و نوبت به نسلی جدید رسیده است.

طبق این سند، «کربلایی محمد خان خلیف مرحوم رئیس کربلایی اسفندیار خان دارنگانی» قطعات مفصل املاک خود در «جبل دلویه» را می‌فروشد. ثمن معامله دویست و بیست تومان و پنج هزار دینار «سکه مبارکه سلطان احمد شاه قاجار خلدالله ملکه» است که نقداً پرداخت شد و «دیناری باقی نمانده و نیست». خریداران عبارتند از «عالیجاهان مشهدی خانباز ولد مرحوم ملا گرگی و ملا ملک محمد ولد مرحوم کربلایی عبدالرحمن [کله رحمان] و ملا حاجی بابا ولد مرحوم ملا ناصر و ملا علی بابا ولد مرحوم کربلایی محمدعلی و ملا عبدالحسین ولد مرحوم ملا همت و ملا سرمست ولد مرحوم ملا حسین کلهم سُرخ‌ی». این ملا سرمست برادرزاده ملا شهباز سُرخ‌ی است که چند سال بعد، اندکی پس از قتل ملا شهباز (۱۳۳۴ ق.)، کلانتر کوهمره شد و لقب «خانی» گرفت، در جنگ‌های ضدانگلیسی سال‌های بعد نقش مهمی ایفا کرد و به دلیل شرکت در قیام عشایر فارس علیه دیکتاتوری رضا شاه در سال ۱۳۱۱ ش. به مرگ محکوم و در زندان کشته شد.

این کربلایی محمد خان پسر ارشد کربلایی اسفندیار خان بود و مورد معامله مراتع پهناوری در کوه دارنگان به همراه چاه‌های آب موجود در آن که بخش عمده میراث کل اسفندیار به‌شمار می‌رفت:

کاهزار تل گاوگوساله «که از شمال می‌زند به کاه دروازه ورثه رئیس ابوطالب، و از جنوب می‌زند به سامان چاه گنده، از قبله می‌زند به کاهزار هفت چاه، و از صبا می‌زند به پشته [ای] که می‌زند به باغ بالک و گوراب بالک که در پای پشته واقع است.

چهار دانگ از شش دانگ کاهزار گود کولیان، «از قبله می‌زند به دیوار اعظم مشهور به دلویه، و از صبا می‌زند به سامان کاهزار دروازه مرحوم رئیس ابوطالب و کاهزار ملا رضاعلی کربلایی لطفعلی، و از شمال می‌زند به دیوار زرد اعظم، از جنوب می‌زند به بهل پیر و دره هاون.»

شش دانگ کاهزار «مشهوره به چاه مزارع صادقی، از شمال می‌زند به دره بهل پیر [تنگ

پیر] و دره هاون [دره هاونگ]، از قبله می‌زند به دیوار اعظم، از جنوب می‌زند به آبرو تادانگ [دیوار تادنگ]، از صبا می‌زند به چاه گنده و سامان کاه مرحوم رئیس ابوطالب. به انضمام سه قسمت از هشت قسمت مالکیت چاه مزارع صادقی و نصفه چاه آبی و غیرآبی گاوگوساله مشهور به «هفت چاه» که با خریدارن شریک بوده است.

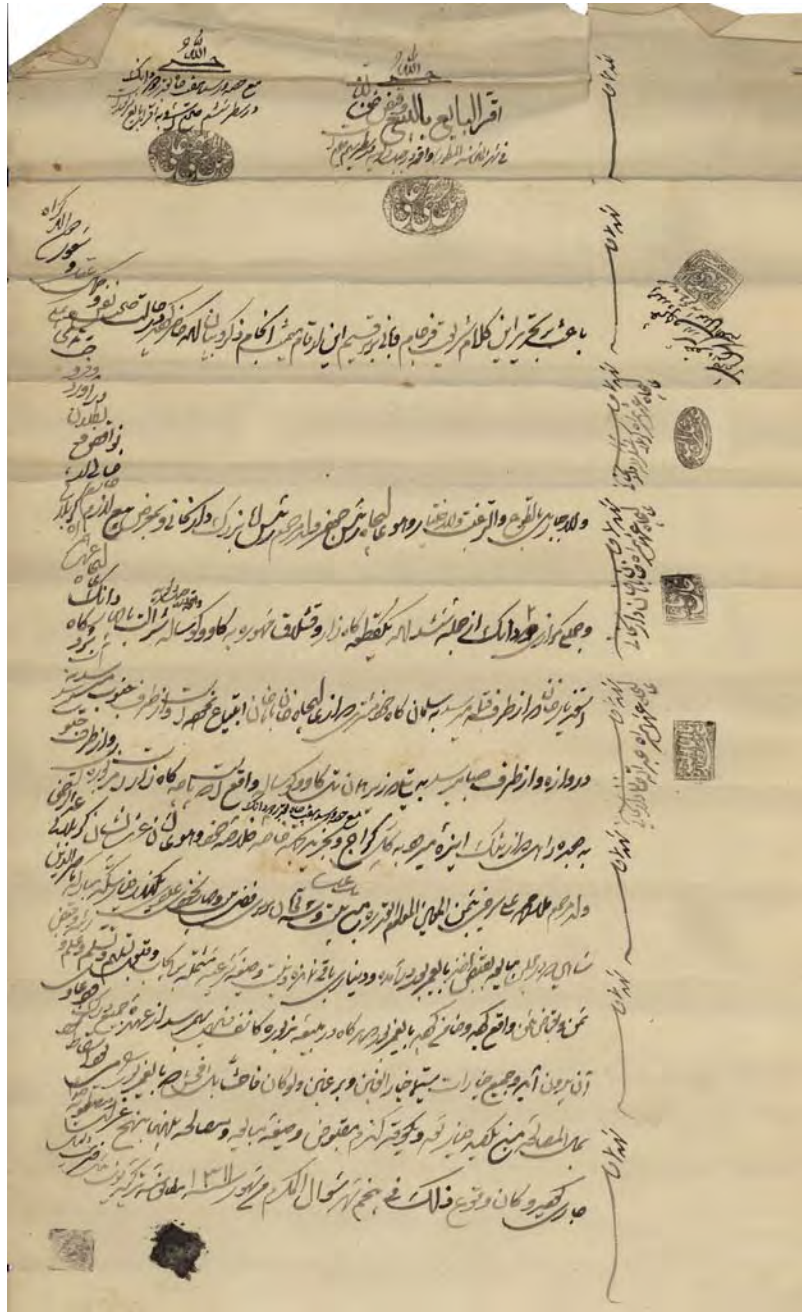
سند بیست و چهارم (۱۳۳۸):

در ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۳۳۸ ق. / ۸ مارس ۱۹۲۰ م.، در کوران اوضاع آشفته پس از جنگ جهانی اول، در زمان حکومت عبدالحسین میرزا فرمانفرما و اندکی پیش از والی‌گری مصدق‌السلطنه در فارس (۱۵ مهر ۱۲۹۹)، سایر وراثت کربلایی اسفندیار بقایای مایملک خود در کوه دارنگان را به سُرخیان می‌فروشد.

در این زمان، کل محمد خان، پسر ارشد کل اسفندیار، فوت کرده و فروشندگان عبارتند از محمدباقر خان ولد مرحوم کربلایی اسفندیار خان و منصور خان ولد مرحوم کربلایی محمد خان دارنجانی. خریداران عبارتند از «سرمست خان کلانتو» ولد مرحوم ملا حسین و ملا قربان ولد مرحوم ملا ملک محمد و ملا حاجی بابا ولد مرحوم ملا ناصر، و دهدار خدامراد ولد مرحوم دهدار محمد صادق «سُرخیون». ثمن معامله یکصد و بیست و پنج تومان و یکهزار و پانصد دینار است که نقداً پرداخت شد.

مورد معامله «قطعات مفصله» زیر از «کاهزار و قشلاقات جبل دلویه» است: کاهزار تل گاوگوساله «که از سمت شمال می‌زند به کاه دروازه ورثه رئیس ابوطالب و از جنوب می‌زند به سامان چاه گنده و از قبله می‌زند به کاهزار هفت چاه و از صبا می‌زند به پشته [ای] که می‌زند به باغ بالک و گوراب بالک که در بالای پشته واقع است.» چهار دانگ از شش دانگ کاهزار گود کولیان، «که از طرف قبله می‌زند به دیوار اعظم مشهور به دلویه و از صبا می‌زند به سامان کاهزار دروازه ورثه رئیس ابوطالب و کاهزار ملا رضا علی مرحوم کربلایی لطفعلی و از شمال می‌زند به دیوار زرد اعظم، از جنوب می‌زند به بهل پیر و دره هاون.» شش دانگ کاهزار مشهور به «چاه مزارع صادقی»، «از سمت شمال می‌زند به دره بهل پیر و دره هاون، از قبله می‌رسد به دیوار اعظم، از جنوب می‌زند به آبرو تادانگ، از صبا می‌زند به چاه گنده و سامان کاه قلات ورثه رئیس ابوطالب مع حصه چاه مزارع صادقی و چاه آبی و غیرآبی گاوگوساله مشهوره به هفت چاه.»

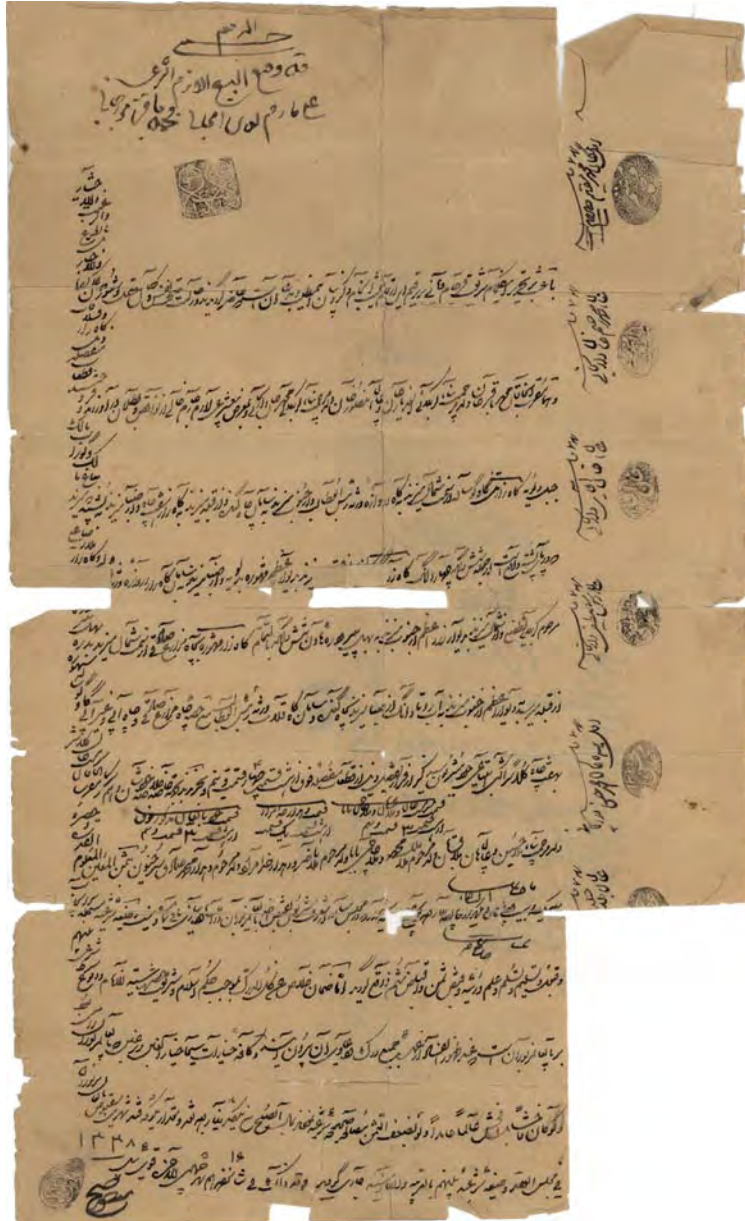
در ذیل سند امضای «منصور» و مهر باقر خان، با سجع «محمدباقر»، درج است. در صدر سند، محضرداری به نام محمدباقر مورجانی معامله را تصدیق کرده. در حاشیه سند مهر شهود دارنگانی مندرج است: محمدمقیم، محمدرحیم خان، خان آقا، رئیس مصطفی، محمدحسن، ملا جلیل، کربلایی اسدالله، و رضا خان دارنجانی.



سند بیست و دوم (شوال ۱۳۱۱)

باعتبار این نام هر دو...
و الاضرف و هو...
گاه زار...
وارث...
فصل...
مجلس...
باعتبار این نام هر دو...
و الاضرف و هو...
گاه زار...
وارث...
فصل...
مجلس...

سند بیست و سوم (رجب ۱۳۳۲)



سند بیست و چهارم
(جمادی الثانی ۱۳۳۸)



دشت بالک



گوراب‌های دشت بالک



گوراب‌های دشت بالک



گوراب‌های
دشت بالک



چادر و احشام طوایف سُرخِی در بالک (اردیبهشت ۱۳۸۵)



حکومت پهلوی در فراندوم نامشروع و غیرقانونی ۶ بهمن ۱۳۴۱ حقوق این مردم و صدها هزار خانوار عشایر مشابه ایشان را به سادگی، تنها با صدور یک فرمان شبه قانونی (اصل ملی شدن جنگل‌ها و مراتع)، پایمال کرد و از آنان سلب مالکیت نمود و هنوز نیز قوانین و دیوان سالاری بازمانده از آن دوران بر پایمال کردن حقوق این مردم مُصر است. این دیوان سالاری، چنان که خواهیم دید، به سادگی هزاران هکتار اراضی مزروعی دیم‌کار مالکین دارای سند یا زارعان صاحب نسق و مراتع عشایر را، که بعضاً به دلیل مجاور شدن با شهرها قیمت آن به متری یکصد هزار تومان و بیش‌تر افزایش یافته، به این و آن قدرتمند یا زراندوز منتفذ و گشاده‌دست، واگذار می‌کند و در برابر تصرف و تخریب هزاران هکتار مرتع مشجر دارای درخت و پوشش گیاهی انبوه متعلق به عشایر، و تفکیک و فروش آن، به کلی ساکت و حتی همراه است.

کسانی که «احیاء» را با «زراعت» یا «غرس اشجار» یکسان می‌دانند و «مرتع» را مصداق «موات» و «زمین مرده» می‌پندارند، توجه نمی‌کنند که زراعت و احداث باغات در مقیاس صدها و هزاران هکتار مولود تحولات جدید در تکنولوژی کشاورزی و ظهور ابزار مستحده چون تراکتور^{۷۷} و بیل مکانیکی و لودر و دستگاه‌های حفاری چاه عمیق و موتور تلمبه و پمپ و تجهیزات آبیاری قطره‌ای در اراضی تپه ماهوری و شیب‌دار است. امروزه، یک نفر به تنهایی

۷۷. تولید تراکتور به شکل انبوه و ورود آن به عرصه کشاورزی از سال ۱۹۱۷ با تراکتورهای فوردسون، ساخت کمپانی هنری فورد، آغاز شد. سوخت این تراکتورها با گازوئیل بود. در سال ۱۳۰۸ ش. اولین تراکتور نفتی برای مدرسه فلاحت خریداری و وارد ایران شد. در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم به تدریج تراکتور به کشاورزی ایران راه یافت. با تأسیس بنگاه توسعه ماشین‌های کشاورزی در سال ۱۳۳۱ میکانی‌اسیون کشاورزی ایران به شکل جدی آغاز شد. در سال ۱۳۴۵ قرارداد تولید تراکتورهای رومانی با کشور فوق منعقد گردید و از سال ۱۳۴۹ تراکتورهای رومانی مونتاژ شده در کارخانه تراکتورسازی تبریز به بازار عرضه شد. از سال ۱۳۵۳ این کارخانه مونتاژ تراکتورهای مسی فرگوسن را نیز آغاز کرد. کارخانه جان دیر از سال ۱۳۵۲ در اراک به مونتاژ تراکتورهای کمپانی فوق و عرضه آن به بازار ایران پرداخت. در سال‌های پس از انقلاب تراکتور در سطح انبوه به روستاها راه یافت و با توزیع ۱۲۰ هزار دستگاه در زمان دولت مهندس میرحسین موسوی به پدیده‌ای همگانی بدل گردید. هم‌اکنون حدود ۴۰۰ هزار دستگاه تراکتور در ایران وجود دارد که بیش از نیمی از آن فرسوده است. در سال ۱۳۸۴ تولید تراکتور ایران به سالیانه ۲۰ هزار دستگاه رسید.

می‌تواند به کمک تراکتور صدها و هزاران هکتار مرغزار یا مرتع را در طول چند هفته شیار و تخریب کند یا با یک یا چند دستگاه بیل میکائیکی در طول چند روز یا چند هفته هزاران گوده در صدها هکتار زمین برای غرس نهال حفر نماید. در گذشته، که زراعت یا احداث باغ به کمک ابزارهای ابتدایی و با اجیر یا شریک کردن نیروی انسانی، در قالب «مزارعه» و «مساقات» و «مغارسه»^{۷۸} انجام می‌گرفت، احیاء به این معنا مطلقاً نمی‌توانست مصداق داشته باشد. مضافاً این‌که در گذشته دامداری شاخه‌ای بسیار پررونق و سودآور در کشاورزی ایران بود و هیچ ضرورت اقتصادی و نیاز مالی دامداران را به تخریب پوشش گیاهی ارزشمند زمین و علوفه مراتع و تبدیل آن به دیم‌کارهای کم‌بازده ترغیب نمی‌کرد که به عکس این اقدام عین تخریب تلقی می‌شد.

۷۸. مزارعه عقدی است که طبق آن مالک زمینی را در اختیار زارع می‌گذارد تا در آن زراعت کند و سهمی از محصول را خود بردارد و سهمی را به مالک زمین بدهد. مزارعه مرسوم‌ترین روش زراعت در جهان اسلام، تا پیش از پیدایش تراکتور و ادوات جدید کشاورزی، بود. مساقات عقدی است میان صاحب باغ میوه و باغبان که طبق آن باغبان در مدت معینی درختان را آبیاری و مراقبت می‌کند و سهمی از محصول برمی‌دارد. مغارسه عقدی است میان مالک زمین و فردی که غارس خوانده می‌شود، که در زمین فوق درخت بکارد و در اعیانی (درختان) باغ فوق طبق عرف محل شریک شود. برخی فقها مغارسه را باطل، برخی صحیح و برخی خلاف احتیاط می‌دانند. مغارسه مرسوم‌ترین روش باغداری در ایران بوده است.

امام خمینی (ره) در مسئله ۱۲ «کتاب المساقات» مغارسه را باطل می‌داند ولی در مسئله ۱۳ می‌افزاید: «بعد از آن که گفتیم مغارسه باطل است اگر کسی بخواهد چنان معامله‌ای را به نحو مشروع انجام دهد علاجش ممکن است و آن این است که نتیجه مغارسه را داخل در تحت عنوانی مشروع نموده مالک زمین و عامل شریک در درختان بشوند، یا به این‌که درخت‌ها را به شرکت خریداری کنند هرچند به این‌که مالک زمین درخت کار را وکیل کند و بگوید هرچه نهال می‌خری برای هر دوی ما بخر، آن‌گاه درخت کار خود را اجیر صاحب زمین کند بر این‌که درخت‌های او را بنشانند و تا مدتی معین آب بدهد و خدمت کند در قبال این‌که نصف منفعت زمین او و یا نصف زمین او ملک وی شود، و یا به این‌که اگر درخت‌ها ملک مالک زمین است نصف آن را تملیک دیگری کند در مقابل این‌که نصفه او را نیز بنشانند و یا مدتی معین خدمت کند و درخت کار هم شرط کند که من چنین می‌کنم به شرطی که درختان در زمین تو بدون اجاره تا فلان مدت باقی بماند، و اگر درخت‌ها ملک درخت کار است و نصف آن را تملیک صاحب زمین کرده عوضش را نصف زمین او و یا نصف میوه آن زمین قرار بدهد و علیه خود شرط کند که درختان صاحب زمین را نیز بنشانند و تا مدتی معین خدمت کند.» (امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۵۹۳)

به دلیل غلبه چنین دیدگاه‌های غیرکارشناسی و اجرای سیاست‌های نادرست حکومتی، که در چهار دهه اخیر تخریب گسترده مراتع و کاهش شدید اقتصاد متحرک دامداری (عشایری) را سبب شد و تولید علوفه خشک مراتع را به حدود ده میلیون تن در سال کاهش داد، ایران، که از دوره باستان تا قرن نوزدهم میلادی کانون اصلی تمدن شسانی در منطقه^{۷۹} و تا دوران جنگ جهانی دوم صادرکننده گوشت قرمز، حتی به روسیه و آلمان، در سال‌های ۱۳۴۰ ش. به واردکننده گوشت قرمز و سایر فرآورده‌های دامی بدل گردید. در سال ۱۳۸۵ بیش از ۵۰ میلیون تن گوشت قرمز و در ۹ ماهه اول سال ۱۳۸۶ نیز ۴۵ هزار و ۴۰۰ تن گوشت قرمز به ارزش ۱۲۶ میلیون و ۲۰۰ هزار دلار وارد ایران شد. معهذاً، هنوز بنیه دامداری ایران نیرومند است. در سال ۱۳۸۵، به دلیل وجود ۱۱۰ میلیون واحد دامی و ذبح ۲۷ میلیون رأس دام شاهد تولید ۸۳۰ هزار تن گوشت قرمز به ارزش بیش از دو میلیارد دلار بودیم.

این میزان از تولید گوشت قرمز، برخلاف گذشته که کاملاً بر علوفه مراتع مبتنی بود و نیازی به منابع ارزی و دلارهای نفتی نداشت، امروزه تا حدود زیادی وابسته به واردات مستقیم یا غیرمستقیم علوفه است.^{۸۰} این در حالی است که کارشناسان کشاورزی ظرفیت بالقوه تولید علوفه خشک در مراتع موجود کشور را سه و نیم برابر میزان فعلی، یعنی حدود ۳۵ میلیون تن، ارزیابی می‌کنند. اگر به‌طور متوسط هر ۲۰ کیلوگرم علوفه مرتعی معادل یک کیلوگرم گوشت قرمز محاسبه شود، می‌توان فقط با بالفعل کردن ظرفیت مراتع باقیمانده در کشور، حمایت از دامداری سنتی و ایجاد مجدد انگیزه دامداری در عشایر و روستائیان، به تولید سالیانه بیش از یک میلیون تن گوشت قرمز دست یافت.

۷۹. ژان تاورنیه، تاجر فرانسوی، دامداری ایران عصر صفوی را چنین توصیف کرده است: «پرورش گوسفند در ایران داستان حیرت‌انگیزی است. دیدن آن همه گله‌ها که از آذربایجان و همدان و ارمنستان علیا و کردستان به عمل می‌آید و تجار از اطراف برای خرید آن‌ها می‌آیند واقعاً مایه تعجب است. گوسفند ایران را تا اسلامبول و ادرنه هم می‌برند و قسمت عمده گوسفندی که در آناتولی و روملی به مصرف می‌رسد از ایران می‌رود و پول گزافی در ازای آن داخل مملکت می‌شود. در ماه مارس و آوریل و مه، که فصل بره است، در مسافرت با قافله روزی نبود که ما چندین گله نبینیم که هر کدام اقل از هزار حیوان کمتر داشته باشد.» (کتاب تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، تهران: مطبعه برادران باقروف، ۱۳۳۱ ق، ص ۶۰۳)

۸۰. منظور از واردات غیرمستقیم علوفه واردات کالاهایی است که کاشت و تولید علوفه در ایران بدون آن‌ها ممکن نیست؛ مانند بذر و سم و دستگاه‌ها و ادوات کشاورزی مربوطه.